

کاروان

CARAVAN Studio

دوماهنامه فرهنگی - سال سوم، شماره ۱۵
مهر - آبان ۱۳۹۶، ۱۵ هزار تومان

یک نگاه، یک زندگی

هانس کریستین آندرسون

Hans Christian Andersen

خاستگاه قصه‌ی پریان،
کی‌یر کگارد و آندرسون،
مکتب کودکی، گونتر گراس
تصویری نو از آندرسون به
دست می‌دهد

با ترجمه‌هایی از

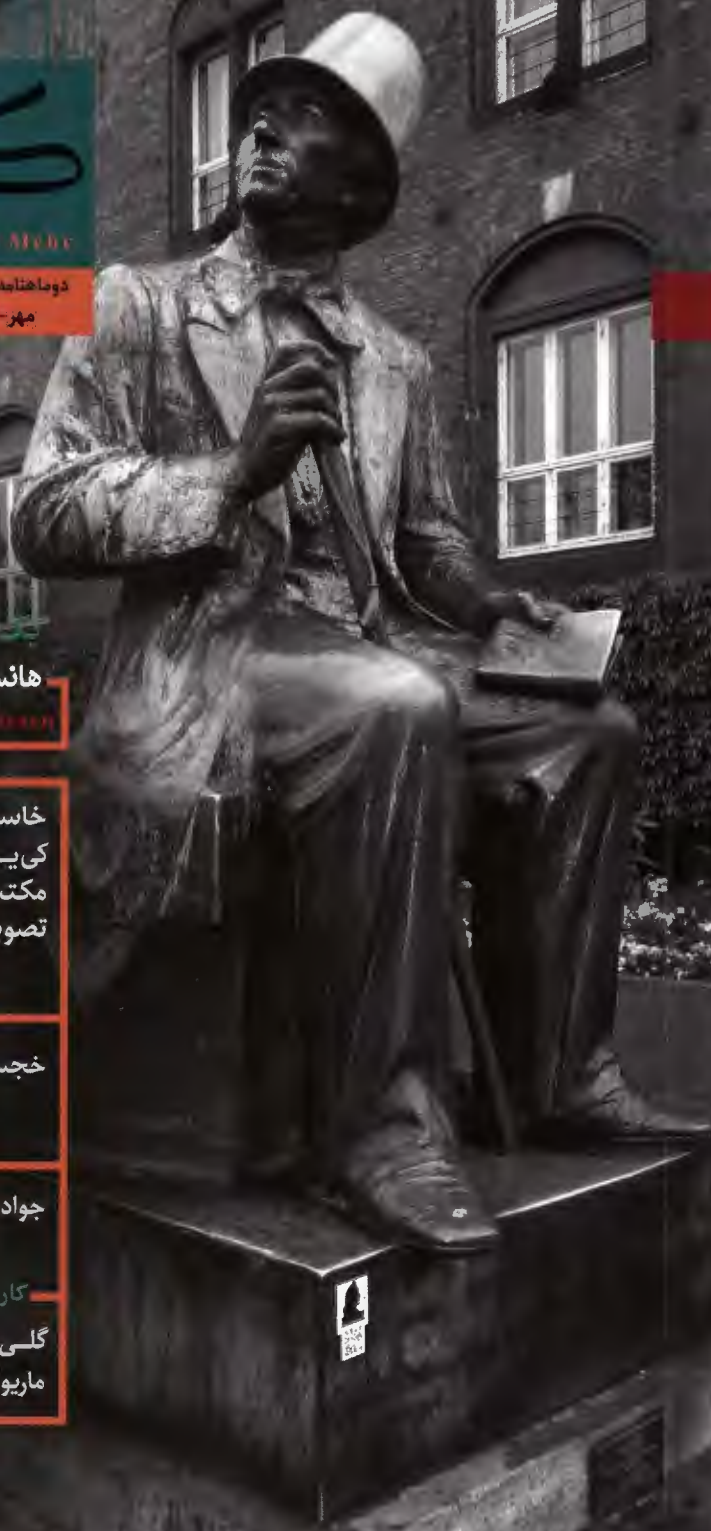
خنجسته کیهان، گلبرگ برزین،
متین خاکپور و...

کاروان کتاب

جواد ماهزاده، لوییجی مالربا،
جان آپدایک

کاروان هنر و ادبیات امروز

گلی ترقی، ترانه مسکوب،
ماریو کاساری، مصطفی حسینی





دوماهنامه فرهنگی، سال سوم، شماره ۱۵
مهر - آبان ۱۳۹۶، ۱۵۰۰۰ تومان

CARAVAN Mehr

Bimonthly cultural Journal
3rd year, 15th Issues,
Oct. - Nov. 2017, 15000 Toman

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرزانه قوجلو
سرمدیر: فرزانه قوجلو

Licensee & Editor: Farzaneh Ghojaloo

طراح گرافیک: علی بخشی
مدیر داخلی: ستاره حیدری نوری
امور مشترکین: ساحل حیدری نوری
چاپ: چاپ و نشر نظر

Graphic Designer: Ali Bakhshi
Executive Director: Setareh Heidary Noori
In Charge of subscription:
Sahel Heidary Noori
Press: Nazar Press

نشانی پستی: میدان رسالت، بلوار دلاوران، سراج شمالی،
کوچه شهید مسلم شهرابی، پلاک ۵۷، واحد ۵
صندوق پستی ۶۷۷-۱۶۷۶۵
تلفن: ۷۷۳۷۳۰۸۶ / ۹۱۲۲۸۸۱۴۶۵
فاکس: ۷۷۳۷۳۰۸۶
پخش کتابفروشی‌ها: ققنوس؛ تلفن: ۶۶۴۰۸۶۴۰

Tel: +98-21-77373086 / 0912-288-1465
Fax: +98-21-77373086
Address: Tehran, P.O.Box: 16765-677

نشانی اینترنتی: www.caravan-mag.com
ایمیل مجله: info@caravan-mag.com
ایمیل سردیر: ghojaloo20@gmail.com
ایمیل مدیر داخلی: setareh@caravan-mag.com
تلگرام: CARAVANMAG
اینستاگرام: CARAVANMEHR

Website: <http://caravan-mag.com>
Editor email: ghojaloo20@gmail.com
Journal email: info@caravan-mag.com
Executive director:
setareh@caravan-mag.com
Telegram: CARAVANMAG
Instagram: CARAVANMEHR

کاروان مهر نشریه‌ای است که هر دو ماه یک بار به معرفی فرهنگ و ادبیات ایران و جهان می‌پردازد. اگر مایل به ارسال مطلب برای ما هستید، می‌توانید مطالبتان را به صندوق پستی نشریه و یا به ایمیل‌های سردیر و مجله ارسال کنید.

Caravan Mehr, a journal being published every two months, introduces Persian and world culture & literature. If you are interested in sending articles to us, you may dispatch them to our P.O.Box or send them via emails of Editor and journal.



هانس کریستین آندرسون Hans Christian Andersen

۷	سرمقاله / قصه های پریان، تجلی روح طبیعت
۱۰	هانس کریستین آندرسون در آینه ی زندگی / ترجمه متین خاکپور
۲۸	خاستگاه قصه ی پریان / ینس آندرسون / ترجمه فرزانه قوجلو
۵۶	مکتب کودکی / ینس آندرسون / ترجمه گلبرگ برزین
۶۸	استعداد جسورانه / ینس آندرسون / ترجمه ساناز مصدق
۸۳	در سرزمین پریان / ینس آندرسون / ترجمه عاطفه وطن چی
۹۶	داستان تولد «جوجه اردک زشت» / ینس آندرسون / ترجمه آزاده فانی
۱۱۰	آخرین سفر / ینس آندرسون / ترجمه خجسته کیهان
۱۲۴	گونتگر اس تصویری نواز آندرسون به دست می دهد / کای آرتینگر / ترجمه: راحله تفریحی

کاروان کتاب

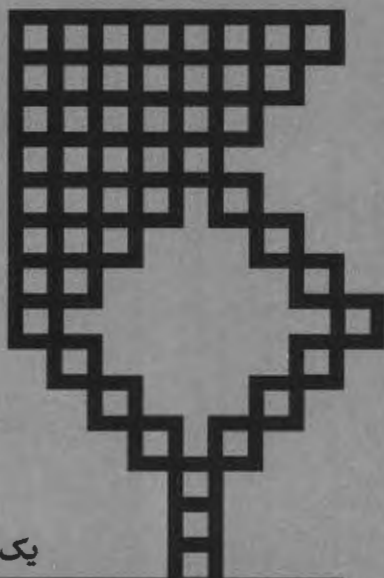
۱۳۲	اردک وحشی، نمادی از اهمیت اوهام در زندگی انسان / فرزانه قوجلو
۱۳۹	به بهانه انتشار دو کتاب؛ به بلندای داستان / جواد ماهزاده
۱۴۲	خوردگی منظره / لوییجی مالربا / ترجمه علی بخشی
۱۴۵	تکامل اولیور / جان آبدایک / ترجمه علی بخشی

کاروان هنر و ادبیات امروز

	یک داستان، یک نقد
۱۵۰	اتوبوس شمیران / گلی ترقی
۱۶۸	تفسیر داستان اتوبوس شمیران / ترانه مسکوب
۱۷۵	رباعیات خیام در ایتالیا / ماریو کاساری ترجمه: مصطفی حسینی



BAYARD & BERTALL PHOTO



یک نگاه، یک زندگی

هانس کریستین آندرسون

Hans Christian Andersen



مؤسسه انتشارات نگاه

دفتر مرکزی:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

بین فخر رازی و دانشگاه پلاک ۶۳، طبقه پنجم

تلفن: ۶۶۹۷۵۷۱۱ ۶۶۴۸۰۳۷۷

www.negahpub.com

negahpublisher@yahoo.com



سرمقاله

قصه‌های پریان، تجلی روح طبیعت

فرزانه قوجلو

قصه‌های پریان یا به بیانی عام‌تر، قصه‌های عامیانه، دلمشغولی انسان است با جهان پیرامون که به واسطه‌ی زبان ظهور می‌یابد. این قصه‌ها در طول قرن‌ها آدمیان را مسحور کرده‌اند. قصه‌های عامیانه روایت‌هایی شفاهی‌اند که نویسنده‌ی خاصی ندارند، سینه به سینه نقل شده و به امروز رسیده‌اند و طبعاً به آیندگان نیز راه می‌برند و می‌توان آن‌ها را به اسطوره‌ها و حکایات و مثل‌ها و افسانه‌ها و قصه‌های پریان تقسیم کرد.

تردیدی نیست که این قصه‌ها نقشی ستودنی در نزدیکی اقوام مختلف با یکدیگر داشته‌اند و ملت‌ها می‌توانند به مدد این قصه‌ها با هم ارتباط برقرار کنند و یکدیگر را بهتر بفهمند. این قصه‌ها جایگاهی مهم در مطالعات اجتماعی دارند و عناصر موجود در آن‌ها به کودکان می‌آموزد تا برای دیگر فرهنگ‌ها نیز

ارزش قائل شوند. قصه‌های پریان به آدمی می‌آموزند که فرهنگ دیگر اقوام را حرمت نهد چرا که این قصه‌ها می‌توانند از هر کجای این جهان پهناور سربرآورند و در هر جایی نقل شوند، فارغ از هر نژاد و زبان و رنگی. این قصه‌ها ما را از جهانی که می‌شناسیم و به آن خو کرده‌ایم جدا می‌کند و به جهان‌های دیگر می‌برد و شگفتی‌های فراوان به ما می‌آموزد. این قصه‌ها برای ما از حسرت‌ها و آرزوهای آدمیان در هر کجای این کره‌ی خاکی می‌گویند. این شکل کهن روایی که نقش آموزشی و سرگرمی را توأمان بر دوش داشته است، نه فقط پنجره‌ای رو به سوی دیگر فرهنگ‌ها بلکه آینه‌ای است طناز که ژرفای روح آدمی را می‌نماید. پس بی‌دلیل نیست که نویسندگان، هنرمندان و پژوهشگران به دنبال بازگویی این قصه‌ها، تجسم بخشیدن به آن‌ها و گردآوری آن‌ها بوده‌اند تا بتوانند از سنت‌های شفاهی و میراث فرهنگی که چنین نقشی بر عهده دارند پاسداری کنند.

و هنگامی که از نویسندگان و یا گردآورندگان قصه‌های عامیانه یاد می‌کنیم، بی‌تردید نام هانس کریستین آندرسون، نویسنده‌ی دانمارکی، در شمار نخستین نام‌هایی است که به ذهنمان می‌آید. در حقیقت، زندگی آندرسون، از بسیاری جنبه‌ها، به قصه‌های پریان شباهت داشت. او با تنگدستی، سخت‌کوشی و تنهایی توانست به یکی از مفاخر زمان خود بدل شود. بیش از صد و شصت قصه نوشت که «اردک زشت» و «پری دریایی» از جمله این قصه‌ها بودند که در زمره‌ی ادبیات کلاسیک درآمدند و بزرگ و کوچک از آن‌ها لذت می‌برند.

هانس کریستین آندرسون در اونسه‌ی دانمارک از پدری کفش‌دوز و مادری رخت‌شوی به دنیا آمد. پدرش بود که تا ۱۱ یا زده سالگی هانس را با قصه‌های دانمارک قدیم و هزار و یک شب سرگرم می‌کرد. اهالی اونسه هرگز نمی‌دانستند که قرار است آن پسر «دیلان» و زشت چه نقشی در ادبیات دانمارک پیدا کند. وقتی متن‌های طولانی را با صدای بلند می‌خواند یا ناشیانه می‌رقصید و اصرار داشت آواز بخواند، کمتر کسی می‌توانست جلوی خنده‌اش را بگیرد. همه به او توصیه می‌کردند که کسب و کاری یاد بگیرد اما او گوش شنوا نداشت و مدام تکرار می‌کرد که قرار است آدم مشهوری بشود. در ۱۸۱۹ بود که به کوپنهاگ نقل مکان کرد، با این امید که بتواند در تئاتر رویال بازیگر شود. بسیاری از اهالی تئاتر و خانواده‌های ثروتمند شهر کوشیدند به او کمک کنند، اما توفیق چندانی حاصل نشد. معلمان رقص و آواز از آموختن به او دست کشیدند و کارگردانان تئاتر رویال با تلاش او در قصه‌نویسی همدلی نشان دادند اما به این نتیجه

رسیدند که باید آندرسون را به مدرسه بفرستند و یکی از کارگردانان هزینه تحصیل او را تقبل کرد. چند سال بعد از تلخ‌ترین روزهای زندگی آندرسون جوان بود. معلم مدرسه همیشه در او، که از بقیه‌ی شاگردها بزرگتر بود، مایه‌ای برای دست انداختنش پیدا می‌کرد. عاقبت وقتی وضع و حال آندرسون به گوش حامیان‌ش رسید، او را از مدرسه بیرون آوردند و معلمی خصوصی برایش گرفتند و بعدتر آندرسون از دانشگاه کپنهاگ فارغ‌التحصیل شد و پس از آن سال‌هایی طولانی را صرف سفر و نوشتن شعر و داستان کرد که موفقیت‌هایی هم نصیبش شد. اما تا سی سالگی هیچ یک از قصه‌های پریان‌ش را ننوشت. اولین کتاب کوچک پریان بلافاصله او را به شهرت رساند و این شهرت هر روز فزونی گرفت و از کشوری به کشور دیگر رفت. آندرسون تکه‌های فراوانی از زندگی خودش را در این قصه‌ها گنجانده. هرگز از یاد نبرد که مادرش در جوانی مجبور به گدایی شد و همین ماجرا دست‌مایه‌ی داستان «دختر کبریت‌فروش» قرار گرفت. تجربیات شخصی او را می‌توانیم در قصه‌ی «اردک زشت» نیز ببینیم.

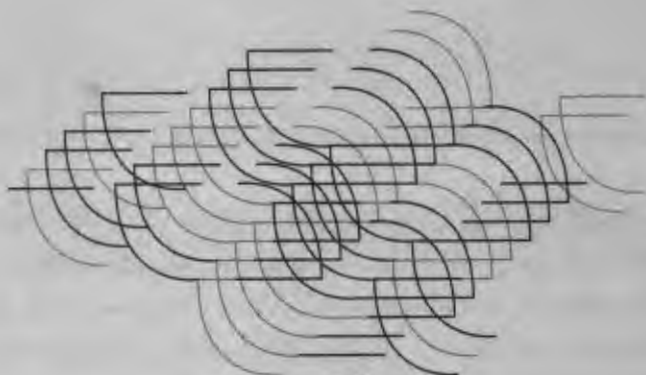
در ۱۸۶۷ در نهایت شهرت و افتخار به زادگاهش، اونسه، برگشت. در ایوان تالاری که مراسم به افتخار او برگزار می‌شد ایستاد و به میدان زیر پایش نگاه کرد و خیل مردمی را دید که برای او کف می‌زدند و تمام ساختمان‌های اطراف میدان زیر نور هزاران شمع می‌درخشید. آندرسون آخرین قصه‌های پریان‌ش را در ۱۸۷۲ منتشر کرد و پس از تحمل یک دوره بیماری سخت در چهارم اوت ۱۸۷۴ در کپنهاگ دیده از جهان فروبست اما قصه‌هایی که او نوشت نه فقط در دل‌ها و در کتاب‌ها باقی ماند بلکه به جهان سینما هم راه یافت و صدها نسخه از آثار او به روی پرده نقره‌ای رفت که مخاطبان‌ش هرگز فقط کودکان نبودند.

زمانی آلبرت اینشتین نوشت: «اگر می‌خواهید کودکانی باهوش داشته باشید، برایشان قصه‌های پریان بخوانید. و اگر می‌خواهید کودکانی باهوش‌تر داشته باشید، برایشان قصه‌های پریان بیشتری بخوانید.»

و این شماره کاروان هدیه‌ای است به دوران کودکی ما و نیز روایی که همچنان در ذهن ما زنده‌اند و بی‌گمان تا بشر باقی است خواهد پایید: روایی پیروزی زیبایی بر پلشتی، پیروزی خیر بر شر.

فرزانه قوجلو

آبان ۱۳۹۶



هانس کریستین آندرسون

در آینه زندگی

ترجمه حسین خاکباز

۱۸۰۵ هانس کریستین آندرسون^۱ دوم آوریل در شهر اونسه^۲ به دنیا می‌آید. محل دقیق تولدش مشخص نیست. پدرش کفاشی فقیر و مادرش رخت‌شوی بود. خانواده‌اش تا سال ۱۸۰۷ نشانی مشخصی نداشتند.

۱۸۱۲ برای اولین بار به تئاتر می‌رود و آنجاست که نخستین خیال‌پردازی‌هایش شکل و جهت پیدا می‌کند.

۱۸۱۶ پدرش که از زمان خدمت سربازی در جنگ‌های ناپلئونی (۱۸۱۴-۱۸۱۲) بیمار شده بود، از دنیا می‌رود. مادرش در ۱۸۱۸ مجدداً ازدواج می‌کند.

۱۸۱۹ چند ماه پس از برگزاری جشن تکلیف در کلیسا، تنهایی به کوبنهاگ^۳ سفر می‌کند تا بخت‌اش را در تئاتر سلطنتی بیازماید. سه سال آتی را در فلاکتی سخت به سر می‌برد و



خانه کودکی هانس کریستین آندرسون، اونسه دانمارک

تلاش می‌کند در تئاتر جایگاهی برای خودش به عنوان خواننده، رقص یا بازیگر بیابد. برخی صاحب‌منصبان از او مراقبت می‌کنند و چون از درس و مدرسه باز مانده است، ترتیبی می‌دهند تا به تحصیل بپردازد.

۱۸۲۲ در آخرین تلاش‌های ناامیدانه‌اش، چند نمایشنامه برای تئاتر آماده می‌کند. همگی رد می‌شوند، اما مدیریت تئاتر برای دلجویی از او ترتیبی می‌دهد تا در اسلیسله^۴ به مدرسه برود. یوناس کولین^۵، مدیر و مسئول امور مالی تئاتر، سرپرست او می‌شود.

۱۸۲۶ هنگامی که سیمون مایسلین^۶، مدیر مدرسه‌اش در اسلیسله، به مدرسه‌ی گرامر السینور^۷ منتقل می‌شود، آندرسون هم به دنبالش می‌رود. در آنجا و تحت تأثیر رابطه‌ی بغرنج‌اش با مایسلین، شعر مشهورش به نام «کودک در حال مرگ»^۸ را می‌سراید.



یوناس کولین سیمون مایسلین

۱۸۲۷ کولین به شکایت‌های آندرسون گوش می‌دهد و او را از مدرسه‌ی مایسلین می‌برد. آندرسون در کوپنهاگ تحت تعلیم خصوصی درس می‌خواند تا در امتحان دیپلم قبول شود. در همین سال تعدادی از اشعارش در یکی از معتبرترین نشریه‌های ادبی آن زمان، کوپنهاگ فیلپونه پُست^۹، چاپ می‌شود. «کودک در حال مرگ» به دانمارکی و آلمانی منتشر می‌شود.

۱۸۲۸ دیپلم‌اش در دانشگاه کوپنهاگ پذیرفته می‌شود و آنجا ثبت‌نام می‌کند. در امتحان ورودی قبول می‌شود و تحصیل زبان‌شناسی را آغاز می‌کند. سال بعد در امتحان فلسفه نیز پذیرفته می‌شود.

۱۸۲۹ اولین حضور رسمی‌اش در دنیای ادبیات با داستانی فانتزی به سبک آثار هافمن^{۱۰} به نام «سفر با پای پیاده»^{۱۱} و نمایشنامه‌ای به نام «عشق در برج [کلیسای] نیکولاس»^{۱۲} رقم می‌خورد. هر دو اثر موفقیت‌آمیزند.

برای کودکان»^{۱۹} را منتشر می‌کند. در سال‌های آتی چند نمایشنامه و دو رمان به نام‌های «او. تی.»^{۲۰} و «تنها یک ویولن زن»^{۲۱} را می‌نویسد. به زودی رمان‌هایش به آلمانی و بعدتر به سوئدی، هلندی، انگلیسی و دیگر زبان‌ها ترجمه می‌شوند.

۱۸۳۷ نخستین سفرش به سوئد. در آنجا با بانوی نویسنده‌ای به نام فردریکا برمر^{۲۲} آشنا می‌شود. ادیبی فرانسوی به نام زاویه مارمیه^{۲۳} پس از بازدید از کوپنهاگ در مقاله‌ای به زندگی‌نامه‌ی آندرسون می‌پردازد و در آن ترجمه‌ی فرانسوی «کودک در حال مرگ» را نیز منتشر می‌کند. این مقاله، تحت عنوان «زندگی یک شاعر»^{۲۴} در مجله‌ی ادبی Revue de Paris منتشر می‌شود. از آنجا که در کشورهای مختلف نیز بازنشر، ترجمه و نقل می‌شود، تأثیری مهم در شناخته شدن آندرسون در اروپا به عنوان چهره‌ای ادبی دارد.

آندرسون در ۱۸۳۶، نقاشی از کریستین آلبرشت جنسن (Christian Albrecht Jensen)

